

## ترانه های شرقی

### مهربونم

نپرس از من / که دلم میگیره / نپرس از من چرا چشمامو بستم / نپرس اگه باز کنم گریه ام میگیره / نپرس چرا غصه دارم / ناز  
این دل و نکش / بذار بمیره / بذار این خراب شده / از سادگی هاش / عبرت بگیره / تو که مهربونی با من / میگی دلم پیش  
تو عه / نگو تا نشنوه این زمونه / که بد جوری نامهربونه / نگو چرا طرز نکات غمگینه / یا که یه روز عاشق میشی / این حرفا  
رو میگی بهم / برام سنگینه / بذار برو یادت بره حرفای من / بگو اینا قصه بودن / یه روز فراموش میکنی / ولی بدون / یاد تو  
تو دل من / توی همین خرابه ها / میون تکه پاره ها / می مونه / بازم یه شب به یادت / حرفا تو / یه بار دیگه میخونه.

### گل و گلدون

گل گلدون من شکسته در باد

تو بیا تا دلم نکرده فریاد

گل شب بو دیگه شب بو نمیده

کی گل شب بو رو از شاخه چیده

گوشه آسمون، گل رنگین کمون، من مثل تاریکی، تو مثل مهتاب  
اگه بساد از سر، زلف تو نگذره، من میرم گم میشم، تو جنگل خاک  
گل گلدون من، ماه ایوون من، از تو تنها شدم، چو ماهی از آب  
گل هر آرزو، رفته از رنگ و بو، من شدم رودخونه، دلم یه مرداب  
آسمون آبی میشه، اما گل پساکی، رو شاخه های بید، دلش می گیره  
دره مهتابی میشه، اما گل مهتاب، از برکه های آب، بالا نمیره  
تو که دست تکون میدی، به ستاره جون میدی، میشکفه گل از گل باغ  
وقتی که ماه در میاد، دو ستاره کم میاد، می سوزه شقایق از داغ  
گل گلدون من، ماه ایوون من، از تو تنها شدم چو ماهی از آب  
گل هر آرزو، رفته از رنگ و بو، من شدم رودخونه دلم یه مرداب

### کاش....

کاش در این محل سایه ساری بود  
که از دشنام آفتاب نمی سوختم  
کاش بوته ی خیس خورده ای بود  
تا به این درخت تنو مند  
که حلقه در حلقه انداخته



---

### دل شکسته

بذار با تکه های این دل از بن شکسته

با اضطراب یادت

به اشتیاق خوابت

شبا وقتی چشم خسته

از این دنیای سر بسته

بخوابن

پر بکشم تو آسمون چشمت

از هر ستاره ای که دیدم

نشون از تو بگیرم

وقتی به تو رسیدم

می خوام دستاتو تو دستام بگیرم

همونجا

به احترام عشقت

تو خواب تو بمیرم

---

### دل من تو رو می خواد

هر جای دنیا که باشی      دل من تو رو می خواد

اون ور ابرا که باشی      دل من تو رو می خواد

تو برام کعبه عشقی      تو برام قبله حاجت

از تو بودن با تو موندن      واسه من شده عادت

دل من تو رو می خواد      دل من تو رو می خواد

دل من تو رو می خواد      دل من تو رو می خواد

وقتی صدای پای شب، رو تن من می شینه

نگاه انتظار من، خواب تو رو می بینه

تو خلوت تنهایی هام، تو مهربونتربینی

برای این شکسته دل، پناه آخرینی

دل من تو رو می خواد      دل من تو رو می خواد

دل من تو رو می خواد      دل من تو رو می خواد

## دل اسیر

می دونی دل اسیره      اسیره تا بمیره  
می دونی بدون تو      دلم آروم نگیره  
می دونی دلتنگ تو      نموده آهنگ تو  
بسی بیهوده پویم      همی بیهوده جویم  
به من بگو بی وفا      حالا یاره که هستی  
خزون عمرم رسید      نو بهاره که هستی  
می خوام برم دوردورا      دلم طاقت نداره  
دست غم تو داره      روزا رو می شماره

---

## حکایت

با تو حکایتی دگر این دل ما به سر کند  
شب سیاه قصه را هوای تو سحر کند  
بیاور ما نمی شود در سر ما نمی رود  
از گذر سینه ما یار دگر گذر کند  
شکوه بسی شنیده ام از دل درد کشیده ام  
کور شوم جز تو اگر زمزمه ای دگر کنم  
مقصد و مقصودم تویی عشقم و معبودم تویی  
از تو حذر نمی کنم سایه مگر سفر کند  
چاره ی کار ما تویی یاور و یار ما تویی  
توبه نمی کند اثر مرگ مگر اثر کند!

---

## تنهاترین تنهای من

تنهاترین تنهای من  
زیباترین رویای من  
آرامش یک موج دور  
در ساحل دریای من  
غرقه در این سکوت سخت  
آغاز نغمه های من  
سوخته در این آوار درد  
دلخوشی دنیای من

در عالم خفته سرد  
ای هم نفس در این قفس  
با من بمیان با من بخوان  
تا آخرین فردای من

---

باز امشب

مانده ام خیره به مهتاب  
در تصور چشمان تو  
در مانده و بی تاب  
صورت‌تم نم ناک است  
راز این نم در چیست  
قطره غمزده اشک  
یا خیال تر من از عرق عشق  
که عرق سوز شده  
هم چنان شرم ندارد  
در تصور سیمای تو می کوشد و می کاود  
که خیره در خیره نگاهم  
لرزه به اندام دلم می بارد  
می ترسم  
ترسی آلوده به عشق  
بی تو بودن با تو بودن  
هر دو وهمی سنگین  
به دوش این دل غمگین است  
کاش دستی از غیب  
در نجاتم می کوشید  
دستی از جنس مهر  
مهری از جنس خدا

---

باز اشک‌ها می بارند  
نه به سان ابر بهاری  
به سان ابر سیاه پاییزی  
و کسی برای آنها غمگین نیست

چقدر زود می شود عادت کرد  
به سیمای مرده یک کودک  
یا شیون دیوانه وار یک زن  
به بوی تعفن لاشه یک ستمدیده  
وبوی تحقق فساد یک ستمگر  
طوفان نفرت  
دل ها را در هم میکوبد  
و عشق در خرابه هایش  
تاری شکسته می نوازد  
سیب های سرخ رنگ می بازند  
و خون های سرخ  
از دل های مردم سنگ می سازند  
قتل به مرگ می خندد  
و رحم بار سفر می بندد  
افسوس  
برای که می سرایم  
از خود می پرسم  
وای آن کس که به چاه شیون می کرد  
حال اگر بود  
چه می کرد

مستدعی است؛ نظر، پیشنهاد و انتقاد خود را در رابطه با این مقاله با نگارنده در میان بگذارید.  
[info@shafizadeh.net](mailto:info@shafizadeh.net) & [shafizadeh\\_f@yahoo.com](mailto:shafizadeh_f@yahoo.com)

- عنوان مقاله: ترانه های شرقی
- تهیه و تنظیم: صمد شفیع زاده